

تا فسخ عقد وفا با ابلیس نه همنسی را بشردن نفس نه مهر بوی تو نظیرش
یارب زد مهر خلاق بر کید و زینش ره درام علائق بر کید
در عشق خیال غیر لایق نبود هر نفس زد که نیست لایق بر کید
اما بعد این رساله ایت مستی عفا کج غیب که فایح ابوار خراب
لاریب است در بیان معارف الهی و عوارف اگاهمی را معرّفه میدا
و معاد و حکمت تکلیف و ایجاب مطابق بذهبت از نام تو جمید و
سوافق مشرب اصحاب تجرید و نغزید مویکند لایق نقلی و شواهد
عقلی بعبارات لطیفه و اشارات شریفه و این معرّفه نیست ذوقی
و حاکمی نه است لایق و فانی و وجدانیت و عیانی نه خیالی و مجرّد
برهائی امید بعنائیت حضرت چون عز و علا امتانت که از
خطا و خلل حالی باشد و مامون و از شهو و زلل محفوظ اید
و مصون نظیر یارب تو نگاه دار در علم و عمل
اسرار الهی ز خطای زجمل سهوی که در ایش بد سازند
انرا بیین زلف ای عزوجل یارب الهی بگردم عند بدین
در راه لایق که چه کرد و بجز بعضی در سبیل حواریت خویش گشته اسیر
در بحر کینه و غرقه شک و شکست این سوختم آنکه منشی این کلام و منشی
پیام را فقیه عفو الله العلی حین الالهی الابدیلی که اسمیست
مما و از قبیل اعتقاد نامیست در بعضی در مقام اعتبار نیارند
و از زمین ارباب افتخار شمارند و از روی کرم ابواب جلال و
مناقصه نکشند و در معرض احتیاض و معارفه نیاید چه
پیدا است که حسن او چندانست ازین اسرار و نصیب او چیست درین گفتار
من

من هیچم و هیچ را نباشد آثار
انوار از دست کز روی اید همه کار
از نیت نشان هفت چرخ شکل
در زمین عا شفا آن سرست عشق
خواهر صفت زعفران اسرار
باشد که زین گفته این نسخه
بیش از آنکه شرح کرد و شود در مقام چند جمله در کیفیت حصول
این معارف بطریق ذوق و شهود در معنای چند جمله گفته شود
تا شاید که ناظران را سرچند مشاهده رسانند و از حجاب هشی
و خود پرستی برهانند معنای آنچه ادبی را معتقد است آنست که
مگر او مخلوق از برای خودست تا هر چه از این است حال داند
از قبیل خیر و مال خواند و هر چه منافی ان بندارد از مغوله
نقصان شمارد و ایت اعتقاد محفوظ است زیرا که آدمی ز ادراک
از بصر خداست و ماحولت الحس و الانس الالبعدون و کمال اسما
در حقیقت است که مراد بزدانت و حواست حق از هستی اشیا
ظهور صفات و اسما و هر چه در عرصه جهان هویدا است مظهر
حکم اسمی از اسماست مگر انسان کامل که جمیع اسما و صفات الهی
سوی و جوب ذاتی در و حاصلست و بر همه حقائق عالم مشتمل
بسوی بحر هستی راه یافته و برینوا گاهی از همه اسرار بر و یافته
باز از حقیق از و بر شهو و غوغا و کوه هر که اما به حسن از و هویدا
هر جا که کمال که در ریشه تحصیل است و اجال آدم مظهر است
من